

نامه به عبرانیان

مقدمه

نامه به عبرانیان خطاب به ایمانداران مسیح از قوم یهود نوشته شده است که احتمالاً به سبب درک نادرست‌شان از مقام و کار عیسی مسیح، در خطر بازگشت به راه سابق خود بودند. از این رو، در آغاز این نامه، عیسی مسیح به عنوان مکاشفه نهایی خدا معرفی گردیده و ثابت شده که او از فرشته‌گان، موسی و کاهنان یهود برتر است. نویسنده با تأکید بر حقایق آشکار، به این موضوع پرداخته است. عیسی پسر ازلی و ابدی خداست، لذا برتر از پیامبران عهد عتیق، فرشته‌گان و موسی است. خدا عیسی را کاهن ابدی اعلام کرده است، پس او برتر از کاهنان عهد عتیق است. عیسی مؤمنان را از گناه، ترس و مرگ رهایی می‌بخشد و در مقام کاهن اعظم، او نجات و رستگاری را برای آنها می‌آورد. احکام در مورد قربانی‌ها و مراسم دینی یهود تنها سایه‌بی از این نجات عظیم است. نویسنده با اشاره به ایمان شخصیت‌های برجسته تاریخ قوم اسرائیل، خواننده‌گانش را به پایداری در ایمان تشویق می‌کند. نویسنده همچنان از ایشان می‌خواهد که با چشم‌دوختن به عیسی، ایمان خود را با وجود همه مصیبت‌ها و سختی‌ها، تا به آخر حفظ کنند. این نامه با بیان مطالب تشویق‌کننده و تعلیمی به پایان می‌رسد.

فهرست موضوعات

پیشگفتار: فصل ۱:۱ - ۳

برتری مسیح بر فرشته‌گان: فصل ۱:۴ - ۲:۱۸

برتری مسیح بر موسی: فصل ۳:۱ - ۴:۱۳

برتری کاهن بودن مسیح: فصل ۴:۱۴ - ۷:۲۸

برتری پیمان و قربانی مسیح: فصل ۸ - ۱۰

اهمیت ایمان: فصل ۱۱

عیسای مسیح، بنیان گذار و کامل کننده ایمان ما: فصل ۱۲

طرز خوشنود ساختن خدا: فصل ۱: ۱۳-۱۹

دعا و سخنان پایانی: فصل ۲۰: ۱۳-۲۵

کلام خدا از طریق عیسای مسیح

۱ خدا در زمانهای گذشته، چندین بار از طریق‌های مختلف به وسیله پیامبران با پدران ما صحبت کرده است.^۲ ولی در این روزهای اخیر، به وسیله پسر خود با ما سخن گفته است. همان پسری که وارث همه چیز گردیده و به وسیله او همه جهان را آفریده است.^۳ عیسای مسیح، درخشش جلال خدا و ظاهرکننده کامل وجود اوست و همه چیز را با کلام قدرتمند خود نگاه می‌دارد. او پس از پاک کردن گناهان آدمیان، در عالم بالا در دست راست خدای متعال نشست.

برتری مسیح بر فرشته گان

۴ همان گونه که مسیح برتر از فرشته گان است، نامی که خدا به او داد، نیز برتر از نام آنها می‌باشد.^۵ زیرا خدا هرگز به هیچ‌یک از فرشته گان نگفته است:

«تو پسر من هستی،

امروز پدر تو شده‌ام.»

و یا:

«من پدر او می‌باشم

و او پسر من است.»

^۶ همچنان وقتی نخست زاده را به دنیا می فرستد، می فرماید:

«بگذار، همه فرشته گان خدا او را بپرستند.»

^۷ اما درباره فرشته گان می گوید:

«خدا فرشته گان خود را به صورت باد

و خادمان خود را مانند شعله های آتش می سازد.»

^۸ اما درباره پسر گفته شده است:

«ای خدا! تخت سلطنت تو همیشه برقرار و ابدی است.

پادشاهی تو بر عدالت استوار است.

^۹ تو عدالت را دوست می داری و از شرارت نفرت داری.

پس از همین خاطر خدا، خدای تو،

تو را بیشتر از همراهانت با روغن شادمانی مسح کرده است.»

^{۱۰} باز هم خدا می فرماید:

«تو ای خداوند، در ابتدا زمین را آفریدی

و آسمانها کار دستهای توست.

^{۱۱} آنها از میان خواهند رفت اما تو باقی خواهی ماند؛

همه آنها مانند لباس، کهنه و فرسوده خواهند شد.

^{۱۲} تو آنها را مانند یک چپن کهنه دور خواهی افگند

و دوران آنها مانند لباس تمام خواهد گردید،

اما تو همان هستی و سالهای تو تمام نخواهد گردید.»

^{۱۳} اما خدا به کدام یک از فرشته گان فرموده است:

«در دست راست من بنشین،

تا دشمنانت را زیر پای تو اندازم»؟

^{۱۴} پس همه فرشته گان، ارواحی هستند که خدا را خدمت می کنند و فرستاده می شوند تا کسانی را که برکت نجات را یافته اند، خدمت کنند.

نجات بزرگ

^۲ ^۱ به این سبب ما باید هرچه بیشتر به آنچه شنیده ایم، توجه کنیم تا مبادا لغزش خورده و گمراه شویم. ^۲ زیرا کلامی که به وسیله فرشته گان گفته شده بود، قابل اعتبار است و هر گناه و نافرمانی با مجازات لازم روبرو می شد. ^۳ پس اگر ما این نجات بزرگ از جانب خدا را نادیده بگیریم، هیچ راه فرار نخواهیم داشت. زیرا این نجات در ابتدا به وسیله سرور ما عیسیای مسیح به ما رسانیده شد و سپس کسانی که گفته های او را شنیده بودند، آن را تأیید کردند. ^۴ خدا نیز طبق اراده خود، با نشانه ها و کارهای عجیب و معجزه ها و تحفه های روح مقدس، این پیام را تصدیق

بنیان‌گذار نجات ما

^۵ خدا به فرشته‌گان صلاحیت فرمانروایی بر جهان آینده را نداد، همان جهانی که موضوع سخن ماست، ^۶ بلکه در نوشته‌های پیامبران چنین شهادت داده شده است:

«خدایا! انسان چیست که او را به‌یاد آوری

یا بنی‌آدم که به او توجه نمایی؟

^۷ او را برای اندک زمانی پایینتر از فرشته‌گان ساختی

و تاج جلال و عزت را بر سرش گذاشتی،

^۸ تو همه چیز را زیر پای او قرار داده‌ای.»

اگر خدا همه چیز را زیر فرمان بنی‌آدم قرار داد، پس دیگر چیزی باقی نمانده است که در اختیار او نباشد. اما در حال حاضر ما هنوز نمی‌بینیم که همه چیز در اختیار بنی‌آدم باشد. ^۹ اما عیسی را می‌بینیم که برای یک زمان کوتاه پایینتر از فرشته‌گان قرار گرفت ولی اکنون تاج جلال و افتخار را بر سر دارد. عیسی متحمل مرگ شد تا به وسیلهٔ فیض خدا به‌خاطر هر انسان طعم مرگ را بچشد.

^{۱۰} برای خدا این درست بود که به عنوان خالقی که همه چیز از او و برای اوست، فرزندان بسیاری را به جلال برساند. پس عیسی را که بنیان‌گذار نجات آنهاست، از راه تحمل درد و رنج به کمال رسانید. ^{۱۱} زیرا کسی که گناهان را پاک می‌گرداند و هم‌انهایی که گناهان‌شان پاک می‌گردد، همه فرزندان پدرآسمانی‌اند. از همین خاطر عیسی شرم نکرد که آنها را برادران و

خواهران خود بخواند، ^{۱۲} چنان که او می گوید:

«نام تو را به برادران و خواهران خود اعلام کرده

و در میان جماعت، تو را ستایش می کنم.»

^{۱۳} و نیز گفته است:

«من به خدا توکل می کنم.»

باز هم می گوید:

«حالا این من هستم با فرزندان که خدا به من داده است.»

^{۱۴} چون این فرزندان دارای جسم و خون هستند، پس او نیز جسم و خون به خود گرفت و مانند آنها گردید تا به وسیله مرگ خود، شیطان را که بر مرگ قدرت داشت نابود سازد ^{۱۵} و کسانی را که به خاطر ترس از مرگ، تمام عمر خود را در برده گی به سر برده اند، آزاد سازد. ^{۱۶} البته او نیامد که فرشته گان را کمک کند بلکه آمد تا به نسل ابراهیم کمک کند. ^{۱۷} پس برای او از هر لحاظ ضرور بود که مانند برادران خود گردد تا امکان آن را داشته باشد که به عنوان کاهن اعظم آنها، چنان با مهر و وفا در خدمت خدا قرار گیرد که گناهان مردم بخشیده شود. ^{۱۸} چون خود عیسی مورد وسوسه قرار گرفت و رنج کشید، قادر است آنهایی را که با وسوسه ها روبرو هستند، یاری فرماید.

برتری عیسی بر موسی

^{۱۹} پس ای ایمانداران مقدس که در دعوت آسمانی شریک هستید، به عیسی مسیح که اقرار

می‌کنیم رسول و کاهن اعظم ما است، نگاه کنید.^۲ او به خدایی که او را برای انجام این کار برگزیده بود، وفادار ماند، همان‌گونه که موسی نیز در تمام امور خانه‌خدا وفادار بود.^۳ پس کسی که خانه‌ی می‌سازد بیشتر از خود خانه سزاوار احترام است. به همین دلیل عیسی بیشتر از موسی شایسته احترام می‌باشد.^۴ زیرا هر خانهداری به دست کسی ساخته می‌شود اما سازنده همه چیز خداست.^۵ به یقین که موسی در تمام امور خانه‌خدا به عنوان یک خدمتگار وفادار خدمت می‌کرد. او درباره آن چیزهایی صحبت کرد که خدا می‌خواست در آینده بگوید.^۶ اما مسیح به عنوان پسر و صاحب اختیار بر خانه‌خدا، وفادار است و ما آن خانه هستیم، به شرطی که با شجاعت و اطمینان در مورد امید خود تا به آخر وفادار بمانیم.

در شنیدن کلام خدا سنگدل نباشید

^۷ آن چنان که روح مقدس می‌فرماید:

«امروز، اگر صدای خدا را می‌شنوید،

^۸ سنگدل نباشید، آن‌گونه که پدران‌تان وقتی

در بیابان بودند در برابر خدا سرکشی کردند

و خدا را آزمودند.

^۹ پدران شما در حالی که کارهای چهل ساله مرا دیده بودند،

باز هم مرا امتحان کردند.

^{۱۰} پس با خشم به آن نسل گفتم:

در دل خود همیشه گمراه می شوید،

هرگز راه‌های مرا نیاموخته‌اید

^{۱۱} و در خشم خود سوگند یاد کردم:

شما در آرامش من ساکن نخواهید شد.»

^{۱۲} ای ایمانداران توجه کنید! در میان شما هیچ کس نباید چنان قلب شریر و بی‌ایمان داشته باشد که از خدای زنده روی گردان شود. ^{۱۳} اما همدیگر را هر روز تشویق کنید و تا زمانی که کلمه امروز را به کار می‌گیریم، نباید هیچ‌یک از شما فریب گناه را بخورد و سنگدل شود. ^{۱۴} زیرا اگر ما اعتمادی را که در آغاز داشتیم تا به آخر نگهداریم، در واقعیت همراهان مسیح هستیم.

^{۱۵} چنان که گفته شده است:

«امروز، اگر صدای خدا را می‌شنوید،

سنگدل نباشید، آن‌گونه که پدران‌تان وقتی

در بیابان بودند در برابر خدا سرکشی کردند.»

^{۱۶} پس چه کسانی صدای خدا را شنیدند و در برابر او سرکشی کردند؟ آیا آنها همان کسانی نبودند که با موسی از مصر بیرون آمدند؟ ^{۱۷} خدا نسبت به چه کسانی مدت چهل سال خشمگین بود؟ آیا نسبت به همان کسانی نبود که گناه کردند و در نتیجه جسدهای‌شان در بیابان افتاد؟ ^{۱۸} و خدا برای چه کسانی سوگند یاد کرد که به آرامی او نخواهند رسید؟ مگر برای کسانی نبود که نافرمانی کردند؟ ^{۱۹} پس می‌بینیم که آنها به‌خاطر بی‌ایمانی نتوانستند وارد آرامش خدا شوند.

۴ چون وعدهٔ دریافت آرامش خدا هنوز باقی است، پس باید بسیار متوجه باشیم مبادا کسی در میان شما پیدا شود که این فرصت را از دست بدهد. ^۲ زیرا این خبرخوش همان گونه که برای آنها اعلام شده بود، برای ما نیز اعلام شده است، اما آنها از اعلام کلام خدا سودی نبردند زیرا وقتی آن را شنیدند، همراه با ایمانداران در اطاعت کردن متحد نشدند. ^۳ پس فقط ما که ایمان آورده‌ایم، به آرامش او دست می‌یابیم. اما خدا در مورد بی‌ایمانان چنین فرموده است:

«در خشم خود سوگند یاد کردم که

آنها در آرامش من ساکن نخواهند شد.»

هر چند این آرامش از زمان آفرینش دنیا آماده شده بود. ^۴ زیرا در جایی دربارهٔ روز هفتم چنین نوشته شده است:

«و خدا در روز هفتم همهٔ کار آفرینش را تمام کرد و آرامش اختیار نمود.»

^۵ و در اینجا، خدا باز هم در ادامه می‌گوید:

«آنها در آرامش من ساکن نخواهند شد.»

^۶ پس هنوز فرصت است که عده‌ی شامل این آرامش شوند اما آنهایی که اول اعلام خبرخوش را شنیدند به خاطر نافرمانی‌شان آرامش نیافتند. ^۷ پس خدا باز هم روز دیگری یعنی امروز را تعیین می‌کند، چنان که سالها پیش به وسیلهٔ داوود گفته شده بود:

«امروز اگر صدای خدا را می‌شنوید، سنگدل نباشید.»

^۸ اگر یوشع به آنها آن آرامش را می‌داد، مدتها بعد، خدا باز هم دربارهٔ یک روز دیگر سخن نمی‌گفت. ^۹ بنابراین یک آرامش، مانند آرامش روز سبت، برای قوم خدا هنوز هم باقی است.

^{۱۰} پس هرکس که به آرامش وعده شده خدا وارد شود از کار خویش دست می‌کشد، همان‌طور که خدا نیز در روز هفتم خلقت از کار خویش دست کشید. ^{۱۱} پس بیایید جدی بکوشیم که در آن آرامش شامل شویم، تا کسی از ما گرفتار همان نافرمانی نشود.

^{۱۲} زیرا کلام خدا، زنده، پُر قدرت و فعال است و از هر شمشیر دو دم تیزتر می‌باشد و تا اعماق روح، نفس، مفصلها و مغز استخوان نفوذ می‌کند و نیت‌های دل انسان را تشخیص می‌دهد. ^{۱۳} در آفرینش هیچ چیزی از نظر خدا پنهان نیست بلکه همه چیز در برابر چشمان او برهنه و آشکار بوده و همه ما باید حساب خود را به او پس بدهیم.

عیسی، کاهن اعظم ما

^{۱۴} چون کاهن اعظمی داریم که به عرش برین رفته است، یعنی عیسی، پسر خدا، پس بیایید اعتراف به ایمان خود را محکم نگهداریم. ^{۱۵} زیرا کاهن اعظم ما کسی نیست که نتواند با ضعف‌های ما همدردی کند، بلکه کسی است که مانند ما در هر چیز وسوسه شده است، اما هیچ گناهی نکرد. ^{۱۶} پس بیایید با دلیری در دعا به تخت فیض خدا نزدیک شویم تا رحمت بیابیم و در وقت احتیاج از او فیض یابیم.

^{۱۷} هر کاهن اعظم از میان مردم انتخاب می‌شود تا نماینده مردم در حضور خدا باشد. وظیفه او تقدیم نمودن هدیه‌ها و قربانیها به خاطر گناهان انسان است. ^۲ از آن جایی که او خود دچار ضعف‌ها می‌باشد، می‌تواند با نادانان و گمراهان به نرمی رفتار کند. ^۳ به این دلیل او نه تنها برای گناهان مردم بلکه به خاطر گناهان خود نیز باید قربانی تقدیم کند. ^۴ هیچ کس افتخار مقام کاهن اعظم را به خود گرفته نمی‌تواند بلکه فقط با دعوت خدا به این مقام می‌رسد، همان‌طور که هارون رسید.

^۵ همین‌گونه مسیح هم افتخار کاهن اعظم شدن را خودش به خود نگرفت بلکه خدا به او چنین

«تو پسر من هستی،

امروز پدر تو شده‌ام.»

۶ و نیز در جای دیگر می‌فرماید:

«تو تا به ابد کاهن هستی،

کاهنی به رتبهٔ ملکِ صِدِّقِ.»

۷ عیسی در ایام زندگی‌اش در این دنیا، با ناله و اشک به درگاه خدا دعا کرده بود و از خدا که قادر بود او را از مرگ رهایی بخشد، حاجت خویش را خواست. پس به‌خاطر اطاعت کامل از خدا، اگرچه مُرد، دوباره زنده شد و دعایش مستجاب گردید. ^۸ با آن که پسر خدا بود اما اطاعت را از راه تحمل درد و رنج تجربه کرد ^۹ و وقتی به کمال رسید، سرچشمهٔ نجات ابدی برای همه کسانی شد که از او اطاعت می‌کنند، ^{۱۰} و خدا لقب کاهن اعظم، کاهنی به رتبهٔ ملکِ صِدِّقِ را به او عطا کرد.

غذای روحانی ایمانداران بالغ

^{۱۱} ما در این باره، مطالب زیادی برای گفتن داریم ولی شرح آن برای شما که برای درک این چیزها دیرفهم شده‌اید، دشوار است. ^{۱۲} شما که تا به حال باید معلم دیگران می‌بودید اما هنوز به کسی احتیاج دارید که اصول ابتدایی کلام خدا را یکبار دیگر از آغاز به شما آموزش دهد. شما به‌جای غذای قوی به شیر احتیاج دارید. ^{۱۳} کسی که فقط شیر می‌خورد، هنوز کودک است و توانایی تشخیص خوب و بد را ندارد. ^{۱۴} اما غذای قوی برای کسانی است که بالغ شده‌اند و از

طریق تمرین مداوم خود را تربیت کرده و توانایی تشخیص خوب از بد را کسب کرده‌اند.

۶ پس بیایید تا درسهای ابتدایی دربارهٔ مسیح را پشت سر گذاشته و به سوی بالغ شدن پیش برویم. ما نباید در همان تعلیم ابتدایی مانند توبه از کارهای بی‌فایده، ایمان به خدا،^۲ تعلیم دربارهٔ انواع غسل تعمید، دستگذاری، برخاستن مُرده‌گان و داوری ابدی قرار داشته باشیم.^۳ هرگاه خدا اجازه دهد، چنین خواهیم کرد.

۴ زیرا آنهایی که یک بار وجدان‌شان روشن شده است و مژدهٔ هدیهٔ آسمانی را چشیده‌اند و در روح مقدس سهیم گردیده‌اند،^۵ نیکویی کلام خدا را در زندگی خود تجربه کرده و قدرت خدا را که در آینده خواهد آمد، چشیده‌اند. آنها اگر باز هم بیفتند و از ایمان دور شوند، بار دیگر آنها را به توبه آوردن ناممکن است، زیرا آنها خودشان بار دیگر پسر خدا را بر صلیب می‌خکوب می‌کنند و او را پیش همه بی‌حرمت می‌سازند.

۷ زمینی که باران بر آن می‌بارد و باران را جذب کرده حاصل خوب برای دهقان می‌دهد، آن زمین از طرف خدا برکت می‌یابد.^۸ اما زمینی که خار و علفهای هرزه به بار می‌آورد، زمینی است بی‌ثمر و امکان دارد که مورد لعنت قرار گیرد و سرانجام سوختانده شود.

۹ ای عزیزان، با آن که چنین سخن می‌گوییم اما در مورد شما اطمینان داریم که برکت عالی همراه با نجات نصیب‌تان است.^{۱۰} زیرا خدا بی‌انصاف نیست که کارهایی را که شما کرده‌اید، محبتی را که به نام او نشان داده‌اید، آن خدمتی را که به ایمانداران خدا کرده‌اید و هنوز هم می‌کنید، فراموش کند.^{۱۱} آرزوی ما این است که هر یک از شما همان شوق را از خود نشان دهد تا در آخر، اعتماد کامل به آن امیدی که دارید، در شما ایجاد شود.^{۱۲} پس تنبل نباشید، بلکه از آنهایی پیروی کنید که به وسیلهٔ ایمان و صبر، وارث وعده‌های خدا می‌شوند.

وعدۀ خدا قابل اطمینان است

^{۱۳} علاوه بر این وقتی خدا به ابراهیم وعده داد، به نام خود سوگند یاد کرد، زیرا کسی بزرگتر از خودش نبود که به نام او سوگند یاد کند. ^{۱۴} خدا فرمود: «با اطمینان به تو وعده می‌دهم که تو را به فراوانی برکت دهم و نسل تو را زیاد گردانم.» ^{۱۵} چون ابراهیم با صبر انتظار کشید، وعدهٔ خدا را دریافت کرد. ^{۱۶} انسانها به کسی بزرگتر از خود سوگند می‌خورند و آن سوگند پایان اختلافاتشان می‌باشد. ^{۱۷} چون خدا هم می‌خواست که به گونهٔ واضح به کسانی که وعده داده بود نشان دهد که وعدهٔ او غیرقابل تغییر است، از این رو با سوگند آن را تأیید کرد. ^{۱۸} پس این دو چیز یعنی وعده و سوگند غیرقابل تغییر می‌باشند زیرا امکان ندارد که خدا دروغ بگوید. پس ما از همه چیز فرار کردیم تا امیدی را که او در برابر ما قرار داده است، با دلگرمی زیاد به دست آوریم. ^{۱۹} امیدی را که در مسیح داریم مانند لنگر محکم و ثابت برای جانهای ماست. این امید از پردهٔ خانهٔ خدا گذشته و به مقدسترین جایگاه داخل می‌شود، ^{۲۰} جایی که عیسی به نماینده‌گی از ما پیش از پیش داخل گردیده و در رتبهٔ ملکِیَصِدِیق برای همیشه کاهن اعظم شده است.

مَلْکِیَصِدِیق - نمونه‌ای از مسیح

^۱ ^۷ مَلْکِیَصِدِیق، پادشاه شهر سالیم و کاهن خدای متعال بود. مَلْکِیَصِدِیق همان کسی بود که وقتی ابراهیم پس از شکست دادن پادشاهان بازگشت، با او روبرو شد و مَلْکِیَصِدِیق او را برکت داد ^۲ و ابراهیم ده یک همه چیزها را به او داد. نام مَلْکِیَصِدِیق در مقام اول به معنای پادشاه صادق و دیگر آن پادشاه سالیم یعنی پادشاه صلح و سلامتی است. ^۳ دربارهٔ پدر، مادر، نسل پس از او و آغاز و پایان زندگی او چیزی نوشته نشده است. او مانند پسر خدا برای تمام زمانها کاهن است.

^۴ حالا می‌بینیم که مَلْکِیَصِدِیق، چه شخص بزرگی بوده است که حتی پدر ما ابراهیم، ده یک غنایم

خود را به او داد.^۵ مطابق شریعت وقتی فرزندان لاوی به مقام کاهنی می‌رسند، از مردم اسرائیل یعنی برادران خود دهیک می‌گیرند، هر چند همه این برادران از نسل ابراهیم می‌باشند.^۶ اما ملکِصِدِّق با وجود آن که از نسل لاوی نیست اما از ابراهیم دهیک گرفته و او را برکت داد. همان ابراهیم که خدا به او وعده‌های زیادی داده بود.^۷ بدون شک برکت‌دهنده از برکت‌گیرنده بزرگتر است.^۸ در این قضیه از یک طرف انسانهای فانی دهیک می‌گیرند و از سوی دیگر ملکِصِدِّق که بر زنده بودنش شهادت داده شده است، دهیک می‌گیرد.^۹ پس چنین هم می‌توانیم بگوییم، وقتی ابراهیم دهیک می‌داد، لاوی نیز که گیرنده دهیک بود، به وسیله ابراهیم به ملکِصِدِّق دهیک داده است.^{۱۰} زیرا وقتی که ملکِصِدِّق با ابراهیم ملاقات کرد، لاوی هنوز تولد نیافته بود.

^{۱۱} اگر کاهن بودن لاوی امکان می‌داشت که به کمال برسد، پس چه نیازی بود به کاهن دیگر از رتبه ملکِصِدِّق و نه از رتبه هارون؟ بر اساس کاهن بودن لاوی، شریعت موسی به مردم اسرائیل داده شد.^{۱۲} وقتی که مقام کاهن بودن تغییر می‌یابد، ضرورت تغییر در شریعت هم به وجود می‌آید.^{۱۳} این چیزها درباره کسی گفته شده است که وابسته به قبیله غیر از قبیله لاوی بود و هیچ کدام از آنها در قربانگاه خدمت نکرده بود.^{۱۴} چون کاملاً روشن است که عیسای مسیح از طایفه یهودا است. طایفه‌بی که موسی هیچگاه در رابطه به کاهن بودن از آنها صحبت نکرده است.

عیسای مسیح کاهن به رتبه ملکِصِدِّق است

^{۱۵} این موضوع وقتی بهتر آشکار می‌شود که کاهن دیگری مانند ملکِصِدِّق ظهور می‌کند.

^{۱۶} عیسای مسیح به وسیله قدرت یک زندگی ابدی به مقام کاهن اعظم رسید نه بر اساس احکام شریعت موسی که مطابق با آن شریعت، کاهن باید از نسل لاوی می‌بود.^{۱۷} زیرا کلام خدا درباره او چنین شهادت می‌دهد:

«تو تا به ابد کاهن هستی،

کاهن به رتبهٔ ملکِیَصِدِّقِ.»

^{۱۸} پس احکام قبلی به خاطر بی فایده و بی اثر بودنشان دیگر مورد اجرا قرار نگرفتند، ^{۱۹} چون شریعت موسی هیچ چیز را به کمال نمی رسانید اما اکنون امید بهتری را دریافت کرده ایم که ما را به حضور خدا می برد.

^{۲۰} زیاده بر این، عیسی مسیح با سوگند خدا کاهن گردید. در حالی که دیگران بدون سوگند کاهن می شدند، ^{۲۱} اما عیسی از جانب خدا با سوگند کاهن گردید، وقتی به او فرموده شد:

«تو تا به ابد کاهن هستی.»

خداوند این را با سوگند یاد کرده است

و وعدهٔ او هرگز تغییر نخواهد کرد.

^{۲۲} پس عهد و پیمانی که عیسی ضامن آن است، چقدر بهتر است.

^{۲۳} دیگر این که از آن زمان تا به حال کاهنان زیادی آمدند، زیرا مرگ نمی گذاشت که آنها خدمتشان را ادامه دهند، ^{۲۴} اما عیسی کاهن دایمی است، زیرا برای همیشه و تا به ابد زنده است. ^{۲۵} به این سبب عیسی مسیح قادر است همه کسانی را که از طریق او به حضور خدا می آیند، به شکل کامل و برای همیشه نجات بخشد، زیرا عیسی تا به ابد زنده است و برای آنها شفاعت می کند.

^{۲۶} پس ما به چنین کاهن اعظمی نیاز داشتیم. کاهنی که مقدس، بیگناه، بی آرایش و جدا از گناهکاران است و در مقام بالاتر از آسمانها قرار گرفت. ^{۲۷} عیسی مسیح نیازی ندارد که مانند

دیگر کاهنان اعظم، روزانه نخست برای گناهان خود و سپس برای گناهان مردم قربانی تقدیم کند، زیرا او خود را یک بار و برای همیشه به عنوان قربانی تقدیم کرد.^{۲۸} مطابق با شریعت موسی، کاهنان اعظم از میان انسانهای خاکی انتخاب می‌شد اما خدا پس از شریعت، با اعلام سوگند خود، پسرش را برگزید که برای همیشه کامل شده است.

برتری پیمان و قربانی مسیح

۱ خلاصه آنچه تا به حال گفته‌ایم، این است که ما چنین کاهن اعظمی داریم که در عالم بالا در دست راست خدای قادر مطلق نشسته است،^۲ او به عنوان کاهن اعظم در جایگاه مقدس خدمت می‌کند، یعنی در آن خیمه حقیقی که به دست خداوند ساخته شده است، نه به دست انسان.

۳ همچنین هر کاهن اعظم وظیفه دارد که هدیه‌هایی را به خدا تقدیم نموده مراسم قربانی را انجام دهد، پس کاهن اعظم ما نیز باید چیزی برای تقدیم کردن داشته باشد.^۴ اگر عیسی هنوز بر روی زمین زندگی می‌کرد، او نمی‌توانست کاهن باشد، زیرا مطابق شریعت موسی، کاهنان دیگری هستند که قربانی‌ها را تقدیم می‌کنند.^۵ خدمتی را که آنها به عنوان کاهنان انجام می‌دهند، فقط نمونه و سایه‌یی از آن چیزهای آسمانی است. وقتی موسی خیمه عبادتگاه را می‌ساخت، خدا به او هشدار داد: «دقت کن که هر چیز را مطابق همان نمونه‌یی که بر سر کوه به تو نشان دادم، بسازی.»^۶ اما خدمتی که عیسی به دست آورده است از خدمت کاهنان به مراتب بهتر است، همان گونه که عهد و پیمان جدید خدا با ما همراه با وعده‌های بهتری نسبت به گذشته بسته شده است.

۷ زیرا اگر آن عهد اول کمبودی نمی‌داشت، نیازی برای عهد دوم نمی‌بود،^۸ اما خداوند آنها را ملامت کرده می‌فرماید:

«روزی فرامی‌رسد که با مردم اسرائیل و یهودا عهد و پیمان جدیدی می‌بندم.

^۹ اما این عهد مانند آن عهدی نخواهد بود که با پدران‌شان بستم،

در روزی که دست آنها را گرفته و برای بیرون شدن از مصر هدایت‌شان کردم،

آنها مطابق آن عهد عمل نکردند

پس من هم از آنها روی گشтанدم.»

^{۱۰} خداوند چنین فرمود: «این است عهدی که پس از آن روزها با قوم اسرائیل خواهم بست،

احکام خود را در افکارشان گذاشته و آن را بر دل‌های‌شان خواهم نوشت.

من خدای آنها خواهم بود و آنها قوم برگزیده من.

^{۱۱} آنها دیگر به هموطنان خود تعلیم نخواهند داد

و به برادران خود نخواهند گفت که خداوند را بشناسید.

زیرا همه از خورد تا بزرگ مرا خواهند شناخت.

^{۱۲} آنگاه من شرارت‌شان را می‌بخشم

و دیگر گناهان‌شان را به‌یاد نخواهم آورد.»

^{۱۳} خدا با گفتن درباره عهد جدید، عهد اولی را کهنه می‌شمارد، و هر چیزی که کهنه و قدیمی

شود، به زودی از بین خواهد رفت.

۹ پس عهد و پیمان اول شامل احکام عبادت و عبادتگاه زمینی بود. ^۲ خیمه حضور خدا از دو قسمت تشکیل شده بود. در قسمت اول آن که جایگاه مقدس نامیده می شد، چراغدان، میز و نان تقدیم شده برای خداوند قرار داشت. ^۳ در قسمت دوم، پشت پرده، جایی بود که مقدسترین جایگاه نام داشت. ^۴ در آنجا قربانگاه زرین که برای سوزاندن خوشبویی به کار می رفت و صندوق عهد که پوش طلایی داشت، گذاشته شده بود. در صندوق عهد، نان در میان یک ظرف طلایی، چوبدست شگوفه کرده هارون و دو تخته سنگی که بر آن کلمات عهد نوشته شده بود، قرار داشت. ^۵ در بالای این صندوق، مجسمه طلایی موجودات آسمانی پُر جلال خدا بر تخت رحمت، سایه افکنده بودند اما اکنون وقت ندارم که همه این چیزها را نقطه به نقطه تشریح کنم.

^۶ وقتی که همه این چیزها همین گونه آماده شد، کاهنان همه روزه به قسمت اول خیمه وارد می شدند تا وظایف خود را انجام دهند، ^۷ اما تنها کاهن اعظم می توانست به قسمت دوم خیمه داخل شود و آنهم فقط سال یکبار. او هیچگاه بدون خون داخل نمی شد، زیرا به خاطر خود و به خاطر گناهان غیر عمدی مردم باید آن خون را تقدیم می کرد. ^۸ روح مقدس این را به ما می آموزد که تا وقتی قسمت اول خیمه خدا هنوز پایرجا می بود، راه به سوی مقدسترین جایگاه هرگز باز نمی شد. ^۹ این امر به زمان فعلی اشاره می کند و نشان می دهد که هدیه ها و قربانی هایی که به خدا تقدیم می شد، نمی توانست به عبادت کننده به طور کامل آرامی وجدان ببخشد. ^{۱۰} اینها فقط درباره خوردنیها، نوشیدنیها، مراسم گوناگون پاک ساختن و احکام مربوط به بدن انسان می باشند و تا زمانی که خدا همه چیز را اصلاح کند، دارای اعتبار هستند.

خون عیسی مسیح و پیمان جدید

^{۱۱} اما وقتی مسیح به عنوان کاهن اعظم آمد و همه برکتها را با خود آورد، به خیمه بزرگتر و کاملتر

که به دست انسان ساخته نشده و متعلق به این دنیا نمی‌باشد، وارد شد.^{۱۲} عیسی مسیح هرگز با خون بزها و گوساله‌ها داخل مقدس‌ترین جایگاه نشد بلکه با خون خود به آنجا داخل شد و نجات ابدی را برای ما حاصل کرد.^{۱۳} زیرا اگر خون بزها و گاوهای نر و پاشیدن خاکستر گوسالهٔ ماده می‌توانست، آنهایی را که در جسم ناپاک بودند، پاک سازد،^{۱۴} پس چقدر بیشتر، خون مسیح که خود را به عنوان قربانی کامل و بی‌عیب به وسیلهٔ آن روح ابدی به خدا تقدیم کرد، خواهد توانست وجدان ما را از کارهای بی‌فایده که باعث مرگ می‌گردد، پاک سازد تا بتوانیم خدای زنده را عبادت کنیم.

^{۱۵} به این جهت او میانجی یک عهد و پیمان جدید است تا کسانی که از طرف خدا خوانده شده‌اند، میراث ابدی را که خدا وعده فرموده است دریافت کنند. این کار شدنی است، زیرا مرگ او باعث آمرزش گناهان بسیاری نیز گردید که شریعت عهد اول بر آنها حاکم بود.

^{۱۶} برای عملی شدن یک وصیت‌نامه، تصدیق مُردن وصیت‌کننده ضرورت است،^{۱۷} پس

وصیت‌نامه وقتی اعتبار می‌یابد که وصیت‌کننده بمیرد، در غیر آن تا وقتی که وصیت‌کننده زنده است، وصیت‌نامه اعتباری ندارد.^{۱۸} به همین علت، عهد اول هرگز بدون ریختن خون قابل اجرا

نبود،^{۱۹} زیرا وقتی موسی همهٔ احکام شریعت را به مردم رسانید، خون بز و گوساله را گرفته با آب آمیخت و با پشم سرخ‌رنگ و شاخه‌های زوفا بر کتاب شریعت و بر مردم پاشید،^{۲۰} و گفت:

«این خون، عهد و پیمانی را که خدا با شما بست، تأیید می‌کند.»^{۲۱} علاوه بر آن، او خون را بر خیمهٔ مقدس و بر تمام ظرفهایی که برای عبادت خدا به کار می‌رفت، پاشید.^{۲۲} مطابق شریعت موسی بیشتر چیزها فقط با خون پاک می‌شوند و بدون ریختن خون، گناهان آمرزیده نمی‌شوند.

مسیح، قربانی برای پاک ساختن گناهان ما

^{۲۳} بنابراین اگر این چیزها که فقط نمونه‌هایی از آن چیزهای آسمانی هستند، با چنین شیوهی باید پاک شوند، پس برای پاک شدن آن چیزهای آسمانی به قربانی بهتری نیاز است.^{۲۴} زیرا

مسیح به آن عبادتگاهی که ساخته دست انسان بوده و فقط سایه و نشانی از واقعیت باشد، داخل نشد بلکه او به عرش برین داخل گردید تا اکنون به نماینده گی ما در پیشگاه خدا حضور داشته باشد.^{۲۵} کاهن اعظم هر سال به مقدسترین جایگاه داخل می شود و خون حیوانات را تقدیم می کند اما عیسی برای تقدیم خود به عنوان قربانی، فقط یکبار به آنجا داخل شد.^{۲۶} اگر چنین نبود، او باید از زمان پیدایش دنیا تا حال، بارها رنج مرگ را تحمل می کرد. اما او در همین زمان آخر، فقط یکبار و برای همیشه در آنجا حضور یافت تا با قربانی کردن خود، گناه را نابود کند.^{۲۷} برای همه انسانها تعیین شده است که یکبار باید بمیرند و پس از آن مورد داوری قرار گیرند.^{۲۸} همان گونه، مسیح نیز یکبار به عنوان قربانی تقدیم شد تا بارگناهان آدمیان را به دوش کشد اما بار دوم که ظاهر می شود، برای کفاره گناهان نخواهد آمد، بلکه برای نجات آنهایی که چشم به راه او هستند، می آید.

۱۰ چون شریعت موسی تصویر کاملی از چیزهای حقیقی نبود بلکه فقط سایه‌یی بود که درباره چیزهای نیکوی آینده از پیش خبر می داد، پس شریعتی که مطابق آن همان قربانی‌ها هر سال تقدیم می شد هرگز نمی توانست مردم را به کمال برساند.^۲ اگر عبادت کننده گان فقط یکبار از گناهان خود پاک می شدند و دیگر وجدان گناهکار نمی داشتند، آیا تقدیم این قربانی‌ها متوقف نمی شد؟^۳ در حالی که آن قربانی‌ها، هر سال فقط یادآور گناهان بودند،^۴ زیرا خون گاوها و بزها هرگز نمی تواند گناهان را برطرف نماید.

۵ از همین خاطر وقتی مسیح به دنیا آمد، به خدا گفت:

«تو خواهان قربانی و هدیه نبودی،

اما برای من بدنی فراهم ساختی.

۶ از قربانی‌های سوختنی

و قربانی‌های گناه خوشنود نبودی.

^۷ آنگاه گفتم: ای خدا، من حاضرم!

تا همان‌گونه که در کتاب تورات دربارهٔ من نوشته شده است،

ارادهٔ تو را بجا آورم.»

^۸ او اول فرمود: «تو خواهان قربانی، هدیه، قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های گناه نبودی و از آنها خوشنود نمی‌شدی.» با آن که این چیزها مطابق شریعت موسی تقدیم می‌شدند.^۹ سپس فرمود: «ای خدا، من حاضرم تا ارادهٔ تو را بجا آورم.» پس خدا قربانی‌های قبلی را یک طرف گذاشت تا قربانی دوم را پابرجا نگهدارد.^{۱۰} به این‌گونه ما به ارادهٔ خدا و با قربانی بدن عیسی مسیح، یکبار و برای همیشه، از گناهان خود پاک گشتیم.

^{۱۱} هر کاهنی همه روزه پیش قربانگاه ایستاده می‌شود و خدمت خود را انجام می‌دهد و همان یک نوع قربانی را بارها تقدیم می‌کند، قربانی‌هایی که هرگز قادر به برطرف ساختن گناه نیست.^{۱۲} اما مسیح تنها یک قربانی را برای همیشه به‌خاطر گناهان ما تقدیم کرد و پس از آن در دست راست خدا نشست.^{۱۳} و در همانجا او منتظر است تا دشمنانش زیر پای او گردند.^{۱۴} پس او با همان یک قربانی، کسانی را که از گناه پاک شده‌اند، برای همیشه کامل ساخت.

^{۱۵} در اینجا ما گواهی روح مقدس را نیز داریم که از اول به ما گفته بود:

^{۱۶} «این است عهد و پیمانی که پس از آن روزها با آنها خواهم بست.»

خداوند می‌فرماید:

«احکام خود را در دلهای آنها گذاشته،

و در افکارشان خواهم نوشت.»

۱۷ و پس از آن می‌افزاید:

«من هرگز دیگر گناهان و خطاهای آنها را به یاد نخواهم آورد.»

۱۸ پس وقتی این گناهان بخشیده شده باشند، دیگر نیازی به قربانی برای گناه نیست.

آماده‌گی برای رسیدن به حضور خدا

۱۹ پس ای عزیزان! به وسیلهٔ خون عیسی‌مسیح، جرأت یافته‌ایم که به مقدس‌ترین جایگاه داخل شویم،^{۲۰} او راه تازه و زنده‌یی را به وسیلهٔ پرده که بدن خود او بود به روی ما باز کرده است تا به آن جای مقدس وارد شویم.^{۲۱} ما کاهن اعظمی داریم که بر خانهٔ خدا قرار دارد،^{۲۲} پس بیاید که از صمیم قلب و اطمینان کامل ایمان، دل‌های خود را از فکر گناه پاک ساخته، بدن‌های خود را با آب خالص بشویم و به حضور خدا نزدیک شویم.^{۲۳} بیاید، به امیدی که به ما وعده شده است، با پایداری اقرار کنیم، زیرا خدا به وعدهٔ خود وفا می‌کند.^{۲۴} در فکر آن باشیم که چگونه می‌توانیم یکدیگر را به محبت و انجام اعمال نیکو تشویق کنیم.^{۲۵} از یکجا شدن با ایمانداران در گردهمایی‌ها دوری نکنیم، چنان که بعضی‌ها عادت کرده‌اند. بلکه یکدیگر را بیشتر تشویق نماییم، چون می‌بینید که روز خداوند نزدیک می‌شود.

۲۶ اگر ما پس از شناخت کامل حقیقت، باز هم به طور عمدی گناه کنیم، دیگر هیچ قربانی‌یی برای بخشش گناهان ما باقی نمی‌ماند^{۲۷} بلکه فقط انتظار وحشتناک روز داوری و آتش خشمی که دشمنان خدا را می‌سوزاند، باقی خواهد ماند.^{۲۸} اگر کسی شریعت موسی را رد می‌کرد، به گواهی دو یا سه شاهد بدون دلسوزی کُشته می‌شد.^{۲۹} پس آن کسی که پسر خدا را تحقیر نموده و خونی را که عهد و پیمان میان خدا و انسان را اعتبار بخشیده است و گناهان او را پاک ساخته است، ناچیز شمارد و به روح پُر فیض خدا بی‌حرمتی نماید، با چه جزای شدیدتری روبرو

خواهد شد؟^{۳۰} زیرا ما می دانیم که خداوند فرمود: «انتقام از من است، من تلافی خواهم کرد»
و باز هم فرمود: «خداوند بنده گان خود را داوری خواهد کرد.»^{۳۱} افتادن به دستهای خدای
زنده چقدر ترسناک است!

^{۳۲} روزهای گذشته تان را به یاد بیاورید، زمانی را که تازه از نور خدا روشن شده بودید. شما
رنجهای زیادی دیدید، ولی در برابر آن استوار ماندید.^{۳۳} شما زمانی پیش مردم تحقیر و شکنجه
می شدید و یک زمان دیگر شریک درد و رنج کسانی بودید که چنین بدی ها را می دیدند.^{۳۴} شما
با زندانیان همدردی می کردید و وقتی مال و دارایی شما را به زور می گرفتند، با پیشانی باز
می پذیرفتید، چون می دانستید که شما چیزهای بسیار بهتری دارید که تا به ابد باقی می ماند.
^{۳۵} پس اعتماد خود را از دست ندهید، زیرا پاداش بزرگ به همراه خواهید داشت.^{۳۶} شما به
صبر بیشتری نیاز دارید تا اراده خدا را انجام داده و برکتهایی را که او وعده داده است، به دست
آورید.^{۳۷} چنانچه نوشته شده است:

«زمان کمی باقی مانده است،

و آن کس که باید بیاید،

خواهد آمد و دیر نخواهد کرد.

^{۳۸} پیرو عادل من به وسیله ایمان زندگی می کند،

اما اگر کسی از ایمان خود به عقب برگردد،

من از او خوشنود نخواهم بود.»

^{۳۹} لیکن ما از آن کسانی نیستیم که از ایمان خود به عقب برگردیم و نابود شویم بلکه از جمله
کسانی هستیم که ایمان داریم و نجات می یابیم.

اهمیت ایمان

۱ | ایمان عبارت از داشتن اطمینان به چیزهایی است که به آن امید داریم و اعتقاد به چیزهایی که نمی‌بینیم.^۲ از روی ایمان بود که مردم در گذشته مورد پذیرش خدا قرار گرفتند.

۳ | ما از روی ایمان می‌دانیم که کاینات با کلام خدا خلق شد، طوری که چیزهای دیدنی از چیزهای نادیدنی به وجود آمد.

۴ | از روی ایمان بود که قربانی هابیل بیشتر از قربانی قائن مورد پذیرش خدا قرار گرفت. او با ایمان خود در حضور خدا عادل شمرده شد و خدا هدیه‌های او را قبول کرد، از همین سبب هابیل با این که مُرده است، اما ایمان او به شکل نمونه با ما سخن می‌گوید.

۵ | از راه ایمان خنوخ بدون آن که مرگ را ببیند، به عالم بالا انتقال یافت و دیگر کسی او را ندید، زیرا خدا او را بُرده بود. پیش از آن که به زندگی دیگر انتقال یابد، کلام خدا دربارهٔ او شهادت می‌دهد که خدا از او خوشنود بود.^۶ اما بدون ایمان ممکن نیست که انسان خدا را خوشنود سازد، زیرا کسی که به‌سوی خدا می‌آید باید ایمان داشته باشد که خدا وجود دارد و او به جوینده‌گان خود پاداش می‌دهد.

۷ | از روی ایمان بود که نوح دربارهٔ چیزهایی که واقع نشده بود هشدار خدا را دریافت کرد و با ترس از خدا دست به کار شد و یک کشتی برای نجات خانوادهٔ خود ساخت و به این‌گونه دنیا محکوم گردید و نوح از راه ایمان عادل شمرده شد.

۸ | از روی ایمان بود که ابراهیم وقتی امر خدا را در مورد رفتن به جایی که بعدها قرار بود مالک آن شود شنید، اطاعت نمود و بدون آن که بداند کجا می‌رود، حرکت کرد.^۹ از روی ایمان او مانند یک بیگانه در سرزمینی که خدا به او وعده داده بود، سرگردان شد و با اسحاق و یعقوب که در آن وعده با او شریک بودند، در خیمه‌ها زندگی کرد.^{۱۰} زیرا ابراهیم در انتظار شهری با

تهداب استوار بود که مهندس و معمارش خداست.

^{۱۱} از روی ایمان، ساره با وجود این که پیر شده بود، توانایی یافت که طفل به دنیا بیاورد زیرا اطمینان داشت که خدا به وعده خود وفا می‌کند. ^{۱۲} به این سبب از ابراهیم، آن‌هم یک مردی که تقریباً مُرده به شمار می‌رفت، نسلهای بی‌شمار مانند ستاره‌گان آسمان و ریگهای ساحل بحر پدید آمد.

^{۱۳} همه این کسان بدون این که وعده‌های خدا را دریافت کنند، با ایماننداری مُردند اما آنها انجام وعده‌ها را از دور دیدند و با خوشی در انتظار آن بودند. آنها تصدیق کردند که در این دنیا، مسافر و بیگانه‌اند. ^{۱۴} وقتی آنها چنین می‌گفتند، آشکارا اعلام می‌کردند که در جستجوی وطن دیگری هستند. ^{۱۵} اگر آنها در فکر سرزمینی که آن را ترک کردند، می‌بودند فرصت آن را داشتند که به آنجا دوباره برگردند. ^{۱۶} اما آنها علاقمند سرزمین بهتر یعنی سرزمین آسمانی بودند. به این جهت خدا شرم ندانست که خدای آنها خوانده شود، زیرا برای آنها شهری آماده کرده بود.

^{۱۷} از روی ایمان، ابراهیم وقتی که مورد آزمایش خدا قرار گرفت، آماده شد تا یگانه فرزند خود اسحاق را به عنوان قربانی به خدا تقدیم کند، زیرا او وعده‌های خدا را پذیرفته بود، ^{۱۸} هرچند خدا به او گفته بود که نسلی که من به تو وعده داده‌ام از طریق اسحاق خواهد بود. ^{۱۹} ابراهیم اطمینان داشت که خدا قادر است حتی اسحاق را پس از مرگ هم زنده گرداند. به عبارت دیگر مانند این بود که اسحاق را از مُرده‌گان بازیافت.

^{۲۰} از روی ایمان بود که اسحاق دو پسرانش، یعقوب و عیسو را برکت داد و از امور آینده سخن گفت.

^{۲۱} از روی ایمان بود که یعقوب وقتی نزدیک به مرگ بود، دو پسر یوسف را برکت داد و در حالی که بر چوبدست خود خم شده بود، به عبادت پرداخت.

۲۲ از روی ایمان بود که یوسف وقتی از دنیا می‌رفت، دربارهٔ بیرون رفتن قوم اسرائیل از مصر سخن گفت و در مورد انتقال استخوانهای خود هدایت داد.

۲۳ از روی ایمان بود که وقتی موسی تولد شد، پدر و مادرش چون دیدند که او کودک زیبایی است، او را مدت سه ماه در خانه پنهان کردند و از نافرمانی از امر پادشاه نترسیدند.

۲۴ از روی ایمان بود که وقتی موسی به بلوغیت رسید، نخواست پسر دختر فرعون خوانده شود.

۲۵ او تحمل سختی‌ها با قوم برگزیدهٔ خدا را بهتر از لذتهای زودگذر گناه دانست. ۲۶ تحمل رسوایی به‌خاطر مسیح برای او ارزش بیشتر نسبت به گنجهای مصر داشت، زیرا او به پادشاه آینده چشم دوخته بود.

۲۷ از روی ایمان بود که موسی مصر را ترک کرد و از خشم پادشاه نترسید، زیرا او مانند کسی که خدای نادیده را پیش چشمان خود می‌بیند، استوار بود.

۲۸ از روی ایمان بود که موسی عیدِ فِصْح را برقرار نمود و خونِ بره را پاشید تا فرشتهٔ مرگ، اولباری‌های اسرائیل را نکشد.

۲۹ از روی ایمان بود که قوم اسرائیل از بحیرهٔ سرخ مانند یک زمین خشک گذشتند اما وقتی مصریان کوشش کردند که از آن بگذرند، غرق شدند.

۳۰ از روی ایمان قوم اسرائیل بود که دیوارهای شهر اریحا پس از این که آنها هفت روز دور آن گشتند، فرو ریخت. ۳۱ از روی ایمان بود که راحابِ فاحشه مانند دیگر افراد سرکش گشته نشد، زیرا او از جاسوسان با صلح و سلامتی استقبال کرده بود.

۳۲ بیش از این برای تان چه بگویم؟ بیشتر وقت ندارم که دربارهٔ جدعون، باراق، شمشون، یفتاح، داوود، سموئیل و پیامبران دیگر سخن گویم. ۳۳ آنها از راه ایمان، سلطنتها را برانداختند

و عدالت را برقرار ساختند. آنچه را که خدا به آنها وعده کرده بود، به دست آوردند. حتی دهان شیرها را بستند،^{۳۴} شعله‌های آتش را خاموش ساختند و از دم شمشیر رهایی یافتند. در حالی که ضعیف بودند، اما قدرتمند شدند. در جنگ شجاع گشتند و لشکر بیگانه‌گان را تار و مار کردند.^{۳۵} زنان، مُرده‌گان خود را دوباره زنده یافتند. یک عده دیگر تا سرحد مرگ شکنجه شدند اما آزادی را پذیرفتند تا در روز رستاخیز، زندگی بهتری به دست آورند.^{۳۶} عده دیگر با سختی‌های بسیار مانند مسخره شدن، شلاق خوردن و حتی زنجیر و زندان روبرو شدند.^{۳۷} آنها سنگسار گردیدند، با اره دو نیم شدند و به شمشیر زده شدند. آنها با لباسهای از پوست گوسفند و بز در سرگردانی، فقر و ظلم و شکنجه زندگی می‌کردند.^{۳۸} دنیا لیاقت آنها را نداشت. آنها در بیابانها و کوهستانها سرگردان بودند و در مغاره‌ها و سوراخهای زیر زمین پناه می‌بردند.

^{۳۹} همه آنها به خاطر ایمان‌شان نیکنام شدند، ولی هیچ‌یک از آنها وعده خدا را دریافت نکرد،^{۴۰} زیرا خدا برای ما نقشه بهتری در نظر داشت تا آنها بدون ما به کمال نرسند.

عیسای مسیح، بنیان‌گذار و کامل‌کننده ایمان ما

۱۲ | پس اکنون که گرداگرد ما چنین شاهدان بی‌شماری مانند ابر عظیمی قرار گرفته‌اند، بیایید از هر قید و بند و هر گناهی که دست و پای ما را بسته است، آزاد شویم و با استواری در میدانی که در برابر ما قرار گرفته است بدویم.^۲ به عیسای مسیح که بنیان‌گذار و کامل‌کننده ایمان ما است، چشم بدوزیم. او به خاطر آن خوشی‌ای که در انتظارش بود، مرگ بر صلیب را تحمل کرد و رسوایی آن را ناچیز شمرد و اکنون در دست راست خدا نشسته است.^۳ به او ببینید که با چه مخالفتها از سوی گناهکاران مقابل شد و آن را تحمل کرد، پس مأیوس و دل‌سرد نشوید.

^۴ شما هنوز تا سرحد ریختن خون‌تان در برابر گناه ایستاده‌گی نکرده‌اید.^۵ آیا این کلام تشویق‌کننده خدا را فراموش کرده‌اید که شما را فرزندان خطاب می‌کند و می‌گوید:

«ای فرزند من، وقتی خداوند تو را تربیت می‌کند، خوب توجه کن

و وقتی او تو را سرزنش می کند نا امید نشو،

^۶ زیرا خداوند هرکسی را که دوست دارد، تربیت می کند،

و هرکسی را که به عنوان فرزند می پذیرد، سرزنش می کند.»

^۷ اگر شما این تربیت را می بینید، نشانه آن است که خدا با شما مانند فرزندان خود رفتار می کند. آیا کدام فرزندی را دیده اید که به دست پدر خویش تربیت نشده باشد؟ ^۸ پس اگر شما مانند دیگر پسران او تربیت نشوید، معلوم است که حرام زاده هستید و نه فرزندان حقیقی! ^۹ علاوه بر این، وقتی پدران ما در این دنیا، ما را تربیت کردند، ما آنها را احترام کردیم، پس چقدر بیشتر باید پدرآسمانی خود را که به ما زندگی می بخشد، احترام کنیم. ^{۱۰} پدران دنیوی ما برای زمان کوتاه، مطابق صلاحدید خود، ما را تربیت کردند اما خدا برای خیریت ما چنین می کند تا در قدوسیت او سهم داشته باشیم. ^{۱۱} هیچ تربیت در زمانش خوش آیند نیست بلکه دردناک نیز می باشد اما بعدها برای آنهایی که با صبر مورد تربیت قرار گرفته اند، میوه آرامش و راستکاری به بار می آورد.

^{۱۲} پس دستهای سُست و زانوهای ضعیف خود را قوی سازید. ^{۱۳} برای پاهای خود راه را هموار سازید، تا پای لنگ از مفصل خود جدا نشود، بلکه شفا یابد.

از شنیدن کلام خدا سرپیچی نکنید

^{۱۴} بکوشید با همه مردم با صلح رفتار کنید و زندگی مقدس داشته باشید، زیرا بدون آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید. ^{۱۵} خوب ببینید تا مبادا کسی از فیض خدا دور شود. متوجه باشید که هیچ ریشه تلخی در میان شما نمو نکند که باعث مشکلات شده و بسیاری از شما را آلوده گرداند. ^{۱۶} مبادا کسی چنان دچار بد اخلاقی جنسی و بی دینی شود که مانند عیسو حق اولباری بودن خود را به یک وعده غذا بفروشد. ^{۱۷} شما خود می دانید که بعداً او چقدر می خواست آن میراث پُربرکت را باز یابد اما پذیرفته نشد. هرچند عیسو با ریختن اشک تلاش کرد آن را بیابد،

راهی برای بازگشت نیافت.

^{۱۸} شما مانند مردم اسرائیل به کوه سینا نزدیک نیامده‌اید که بتوانید آن را لمس کنید، کوهی که پُر از آتش و تاریکی ترسناک و طوفان شدید بود ^{۱۹} و نیز صدای شیپور و آواز کلام را شنیده‌اید. مردم اسرائیل که آواز خدا را شنیدند، زاری کردند که دیگر با آنها سخن نگوید. ^{۲۰} زیرا آنها نتوانستند فرمان خدا را تحمل کنند که می‌گفت: «حتی اگر حیوانی به آن کوه پای گذارد، باید سنگسار گردد.» ^{۲۱} آن منظره چنان ترسناک بود که حتی موسی گفت: «می‌ترسم و می‌لرزم.»

^{۲۲} اما شما به کوه صهیون و شهر خدای زنده، اورشلیم آسمانی که در آن جمع فرشته‌گان بی‌شمار خوشی‌کنان وجود دارند، آمده‌اید ^{۲۳} و در جشن شادمانی نخست‌زاده‌گان که نامهایشان در بهشت ثبت شده است، سهم گرفته‌اید. شما نزد خدایی که داور همه است و پیش ارواح عادلان که کامل شده‌اند، قرار گرفته‌اید. ^{۲۴} شما نزد عیسی، میانجی عهد و پیمان جدید و نزد خون ریخته شده‌ او که پیامی بهتر از خون هابیل دارد، آمده‌اید.

^{۲۵} هوشیار باشید که از شنیدن صدای او که سخن می‌گوید، روی نگردانید. آنها که از شنیدن سخنان کسی که بر روی زمین سخن می‌گفت سرپیچی کردند، به جزای خود رسیدند. پس ما اگر از گوش دادن به آن کسی که از آسمان سخن می‌گوید روی گردانیم، دچار چه جزای شدیدتری خواهیم شد! ^{۲۶} آن کسی که صدایش زمین را می‌لرزاند، اکنون وعده داده است که یکبار دیگر نه تنها زمین بلکه آسمان را نیز بلرزاند. ^{۲۷} این کلمات، یعنی «یکبار دیگر»، نشان می‌دهد مخلوقاتی که لرزان هستند، از بین خواهند رفت و آنچه ثابت است، باقی خواهد ماند.

^{۲۸} پس بیایید که خدا را به‌خاطر آن پادشاهی ثابت و پایداری که به ما می‌دهد، سپاس گوئیم و بتوانیم مطابق خواست او که خدمت خداترسانه و با عزت است، او را ستایش و خدمت کنیم ^{۲۹} زیرا خدای ما مانند آتش سوزاننده است.

طرز خوشنود ساختن خدا

۱۳ چنان که شایسته ایمانداران در مسیح است، یکدیگر را دوست بدارید. ^۲ فراموش نکنید که مهمان نواز باشید، زیرا بعضی ها بدون آن که بدانند، از فرشته گان پذیرایی کرده اند. ^۳ زندانیان را چنان که گویی خود نیز با ایشان در زندان هستید به خاطر داشته باشید و ستم دیده گان را فراموش نکنید، چون شما هم مانند آنها ستم دیده اید.

^۴ ازدواج باید برای همه قابل احترام باشد و بستر زناشویی از روابط نامشروع پاک نگهداشته شود زیرا خدا بد اخلاقان جنسی و زناکاران را داوری خواهد کرد.

^۵ در زندگی از عشق به ثروت دوری کنید و به آنچه دارید قناعت داشته باشید، زیرا خدا فرموده است:

«من هرگز شما را تنها نخواهم گذاشت،

من هرگز شما را ترک نخواهم کرد.»

^۶ پس ما با اطمینان می گوئیم:

«خداوند کمک کننده من است، من نخواهم ترسید.

انسان چه می تواند به من بکند؟»

^۷ رهبران خود را که کلام خدا را برای شما بیان کردند، به یاد داشته باشید. به نتیجه خوب زندگی آنها نظر اندازید و از ایمان شان پیروی کنید. ^۸ عیسیای مسیح همان است که دیروز بود، امروز است و تا به ابد خواهد بود. ^۹ با تعالیم مختلف و عجیب از راه راست منحرف نشوید، زیرا بهتر است که دل انسان از فیض خدا تقویت شود تا از قوانین غذاها که برای پیروان آن هیچ فایده

^{۱۰} ما قربانگاهی داریم که کاهنان خیمهٔ مقدس حق خوردن از قربانی آن را ندارند. ^{۱۱} کاهن اعظم، خون حیوانات قربانی شده را به عنوان کفارهٔ گناه به مقدس‌ترین جایگاه می‌برد، اما جسد حیوانات را دور از خیمه‌ها می‌سوختاندند. ^{۱۲} از این جهت عیسی نیز خارج از دروازهٔ شهر رنج دید تا مردم را با خون خود از گناهان‌شان پاک سازد. ^{۱۳} پس بیایید تا دور از خیمه‌ها پیش او برویم و در ننگ و خواری او شریک شویم، ^{۱۴} زیرا در این دنیا برای ما هیچ شهری دائمی نیست و در جستجوی آن شهری هستیم که خواهد آمد. ^{۱۵} بیایید به وسیلهٔ عیسی مسیح، ستایش خود را مانند قربانی به خدا تقدیم کنیم که ثمرهٔ همان قربانی است که نام او را اعتراف می‌کند. ^{۱۶} همچنان مهربانی و کمک به یکدیگر را از یاد نبرید، زیرا این گونه قربانی‌هاست که خدا را خوشنود می‌سازد.

^{۱۷} از رهبران خود اطاعت کنید، زیرا آنها محافظ جانهای شما بوده و در برابر خدا مسؤول هستند. با آنها آن گونه رفتار کنید که با خوشی خدمت کنند، نه با آه و ناله، در غیرآن، خدمت آنها فایده‌یی به شما نخواهد داشت.

^{۱۸} برای ما هم دعا کنید. ما مطمئن هستیم که وجدان پاک داریم و همه چیز را به درستی انجام می‌دهیم. ^{۱۹} باز هم به تأکید از شما می‌خواهم که دعا کنید تا خدا مرا هرچه زودتر نزد شما برگرداند.

دعای آخر

^{۲۰} خدا که سرچشمهٔ صلح است، سرور ما عیسی مسیح را که چوپان بزرگ گوسفندها است، پس از مرگ زنده کرد و خون او عهد و پیمان ابدی را تأیید کرد. ^{۲۱} همان خدا شما را چنان در همهٔ کارهای خوب کامل سازد که ارادهٔ او را عملی کنید تا آنچه که او را خوشنود می‌سازد، به وسیلهٔ

عیسای مسیح در ما به انجام برساند. شکوه و جلال تا به ابد از آن اوست! آمین.

سخنان پایانی

^{۲۲} ای عزیزان، تقاضا می‌کنم به این پیام دلگرم‌کننده با صبر و حوصله گوش دهید، زیرا این را به طور مختصر برای شما نوشته‌ام. ^{۲۳} می‌خواهم برای تان بگویم که برادر ما تیموتاوس از زندان آزاد شده است. اگر او به اینجا زود برسد، ما با هم به دیدن شما خواهیم آمد.

^{۲۴} سلام ما را به تمام رهبران و ایمانداران برسانید. ایمانداران ایتالیا نیز به شما سلام می‌فرستند.

^{۲۵} فیض خدا با همه شما باد!

سوال دارید؟ +1 807.700.6090

دري جديد ۲۰۲۲ © afghanbibles.org

Copyrighted material not for reprint/publishing purposes.